

زبان‌شناس معروف، ادوارد ساپیر، در این خصوص چنین گفته است: «فقط پنج زبان، اهمیت بیشتری در انتقال تمدن داشته‌اند: چین قدیم، سانسکریت، عربی، یونانی و لاتین»

چگونگی پیدایش

بازارها در وحدت بخشیدن به زبان و ترویج یک زبان عالی و در عین حال چیره ساختن لهجه قریش بر سایر لهجه‌ها- به این دلیل که این بازارها اغلب در سرزمین قریش تشکیل می‌شد- سهم بسزایی داشتند.

ب. قریش

مکه از دیرباز محل آمد و رفت و استقرار قافله‌ها بود. کعبه نیز در مکه بود و موجب می‌شد بسیاری افراد به این سرزمین مسافرت کنند. قبیلۀ قریش در چنین سرزمینی مستقر بودند. لذا قریشیان نه تنها در یکی شدن گویش‌ها سهم مهمی داشتند بلکه در آرایش و پیرایش زبان خود نیز می‌کوشیدند و واژه‌های خوش‌آهنگ و دلپذیر را از قبایل دیگر می‌گرفتند و به واژگان خود می‌افزودند.

خطبا و شعرای قبایل دیگر از گویش قریش تقلید کردند؛ زیرا مهم‌ترین بازارها در سرزمین ایشان بود و بیشتر داوران از میان آنان برگزیده می‌شدند. شعر از سرزمین قریش به سایر سرزمین‌های عرب زبان و با گویش قریشی منتشر شد و یک زبان رسمی شیوا، که به زبان قریش هم خیلی نزدیک بود، پدید آمد.

ج. تمدن‌های همجوار

زبان عربی از طریق حیره- که دست‌نشانده ایران بود- واژه‌هایی را از زبان فارسی وارد زبان عربی کرد و بر غنای آن افزود؛ از جمله در مواردی با اینکه معادل کلمات فارسی معرب

اشاره

در کنار گویش‌های مختلف قبایل عرب، که فهم آن‌ها برایشان دشوار نبود، زبانی رسمی که از عیوب و اختلافات به دور بود پدید آمد و آن زبان محافل ادبی، شعر و خطابه، یعنی زبان عربی بود. این زبان آمیزه‌ای از زیباترین واژه‌های لهجه‌های مختلف قبایل عرب بود. اما لهجه قریش در این زبان بر سایر لهجه‌ها برتری یافت؛ زیرا این لهجه از سایر لهجه‌ها پاک‌تر و فصیح‌تر بود.

کلیدواژه‌ها: واژه، لهجه، شعر، خطابه، تمدن

علل پیدایش زبان شعر و خطابه

الف. بازارها (أسواق)

بازارها در دوره جاهلی به منزله نمایشگاه‌هایی بودند که مردم مختلف شبه‌جزیره به دیدن آن‌ها می‌آمدند. مشهورترین این بازارها «سوق عکاظ» نزدیک مکه و «مَجَنَّة» و «ذوالمجاز» در حومه مکه بودند.

سوق عکاظ مهم‌ترین بازارها بود که از اول ماه ذی‌القعدة تا بیستم آن دایر بود. مردم برای خرید و فروش، دآوری، مقاصد ادبی، بیان انساب، ایراد اشعار و خطابه‌های بلیغ (در حسب، نسب، کرم، فصاحت، جمال، شجاعت و مفاخرت)، اسب‌سواری و سایر بازی‌ها در این بازارها جمع می‌شدند.^۱

زبان این بازارها زبانی بود که همگان بفهمند. شاعر یا خطیب از واژه‌هایی استفاده می‌کرد که در عین شیوایی و رسایی برای همه مردم قابل فهم باشد.

مکه از دیرباز محل آمد و رفت و استقرار قافله‌ها بود. کعبه نیز در مکه بود و موجب می‌شد بسیاری افراد به این سرزمین مسافرت کنند. قبیلهٔ قریش در چنین سرزمینی مستقر بودند. لذا قریشیان نه تنها در یکی شدن گویش‌ها سهم مهمی داشتند بلکه در آرایش و پیرایش زبان خود نیز می‌کوشیدند و واژه‌های خوش‌آهنگ و دلپذیر را از قبایل دیگر می‌گرفتند و به واژگان خود می‌افزودند

زبان عربی

عادل اشکبوس

کارشناس مسئول گروه درسی عربی

کهن‌سال آن زمان بر غنا و قدرت واژگان خود افزود و سال‌ها بعد با ظهور اسلام و نزول قرآن، زبان عربی نه تنها تثبیت گردید، بلکه به خارج از مرزهای شبه‌جزیرهٔ عرب منتشر شد و بر زبان آرامی در شمال جزیره و بر زبان‌های قبطی، نبطی، حبشی و بربر در شمال آفریقا غلبه یافت.

زبان آرامی - که با الفبای فنیقی نوشته می‌شد - در قرن نهم قبل از میلاد به صورت زبانی بین‌المللی درآمد و علاوه بر شمال جزیرهٔ العرب، زبان تجاری امپراتوری هخامنشی بود که از هند تا شمال آفریقا وسعت داشت اما با آمدن اسلام به تدریج مناطق شمال جزیره و شمال آفریقا عرب زبان شدند و واژه‌های بسیاری نیز در زبان مردم جنوب و مرکز آسیا وارد شد؛ به گونه‌ای که نیمی از واژگان زبان‌های فارسی، اردو و ترکی استانبولی را کلمات عربی تشکیل می‌دهد و امروزه زبان عربی جزو هفت زبان رسمی سازمان ملل متحد است.

زبان‌شناس معروف، ادوارد ساپیر، در این خصوص چنین گفته است: «فقط پنج زبان، اهمیت بیشتری در انتقال تمدن داشته‌اند: چین قدیم، سانسکریت، عربی، یونانی و لاتین.»^۳

پی‌نوشت‌ها

۱. نیکلسون، رینولد آین، تاریخ ادبیات عرب، ترجمهٔ کیوانی (کیواندخت)،

۲. التونجی محمد، معجم‌المعربات الفارسیة فی اللغة العربیة

3. Sapire, E, Language, NewYork, Harvest Books Ltd.

در عربی وجود داشت، واژه‌هایی جدید وارد زبان عربی شد. مثال از «النابیغة الذبیانی»:

ماض یكون له جد إذا نزلت
حرب یوائل منها کل تنبال

ترجمه: شمشیری است که هرگاه فرود آید دارای جدیت است. جنگی است که هر تنبلی از آن به چیزی پناه می‌برد و می‌گریزد. مثال دیگر از «المثقب العبدی»:

فأبقی باطلي و الجد منہما
کدکان الدراینة المظین

«تنبال» به معنی الکتسول البلید (تنبل) و «دراینة» جمع دربان به معنی بواب (دربان) است.

محمد التونجی در کتاب فرهنگ معربات فارسی در زبان عربی مثال‌های فراوانی در این زمینه دارد.^۲

همچنین از طریق «غسان» نیز واژه‌های رومی وارد عربی شد، که میزان آن قابل مقایسه با واژه‌های فارسی نیست و تأثیر کمتری داشته است. مستشرق معروف، بروکلمان، در مورد غنای زبان عربی چنین گفته است:

«زبان شعر عربی از نظر ترکیبات جمله‌ها و دقت تعبیر از پیشرفته‌ترین زبان‌های سامی است و از نظر مفردات نیز زبانی ثروتمند است و تعجبی هم ندارد؛ چون این زبان مثل رودخانه‌ای بوده که از قبایل مختلف عرب، جویبارهایی بر آن می‌ریخته است.»

به این ترتیب، زبان عربی با گرفتن واژه‌هایی از تمدن‌های